

متن پرسش

سلام استاد عزیز و بزرگوار: استاد بنده تفسیر شما و کتاب های شما را دنبال و راهی حوزه شدم و الان پایه هشت هستم و واقعا اگر تمام عمرم را سجده کنم از این راهی که آمدم باز هم کم است. اما اجازه بدهید صریح و بدون تعارف سخن بگویم. بعد از دیدن گفت و گوی شما در پاتوق تربیتی دوره ی تربیت مربی «آرمان اندیشه» دلم تنگ آمد که این مطلب را نگویم. استاد شما به عنوان مصداق دایما مثال شهدا و شهید سلیمانی یا شهید حججی رضوان الله علیهم را می زنید و شاگردان خود را از آداب امثال آیت الله قاضی رحمت الله علیه فاصله می دهید با بیان اینکه زمانه تغییر کرده و الان زمانه سیر و سلوک شهدا است. چرا نمی خواهیم باور کنیم که شهدای در جبهه کشته شدن را به چشم می دیدند و خود را روز به روز آماده می کردند و غفلتی برایشان نمی آمد. ولی الان در این جامعه غفلت زده مگر می شود بدون ذکر و خلوت و چله نشینی های شرعی طبق روش علمای گذشته، آن حضور و آن بیان نورانی را دارا شد که وقتی الله می گوئیم مخاطب با تمام وجود خدا را ببیند. در همین اصفهان اگر صاحبان نفس قدسی که به واسطه ی همین اذکار و خلوت ها، صاحب نفس شدند نبودند و امام روح الله طبق عرفای گذشته (شاگرد و استاد) و اهل ذکر بودن، سلوک نمی کردند نمی توانستند جوانان زمان خود را متوجه حقیقت شان کنند که شهدا شهدا شوند. بنده با نظر شما که با آمدن انقلاب، افقی جلوی ما روشن شد که بدون آن افق، نمی توانیم دینداری فعالی داشته باشیم اما این نگاه تکمیل کننده ی روش گذشته است نه نفی کننده روش گذشته. اگر برداشت بنده از روش تربیتی شما اشتباه است اصلاح بفرمایید. استاد عزیز ملتمس دعا و توفیق دیدار پر برکتتان از خداوند خواهانم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تذکر به جایی است و واقعاً هرگز نباید از سلوکی که امثال آیت الله سید علی قاضی داشتند، غفلت کنیم. بحث بنده در آن است که اگر بعضی از عزیزان نتوانستند در آن مسیر باشند و یا به آن نتایج نرسیدند، گمان نکنند راه بسته است. عمده توجه به راهی است که به گفتهی حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» بعضی ره صدساله را یک شبه طی کرده اند. موفق باشید